

# اول شناخت بعد توقع

# موسیقی ما، موسیقی تکنوازی است



## گفت و گو با مجید کیانی

مجید کیانی متولد ۱۳۲۰ تهران است. ریف سنتسز او اولین صبا، قطعات وزیری و روح، دل خالقی را در فرساز اول موسیقی بی به مدت ۴ سال نزد منوچهر صادقی و محمد جیدی فرا گرفت. سپس در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران قسمتی از ریف میرزا عبدالله را نزد ابراهیم سفیرت و نورعلی برهنه آموخت. برای ادامه این مدت ۴ سال دیگر نزد استاد برهنه و همچنین شیو ستوسن تهرانی جیبیاسیان را فراگرفت. پس از آن مدت ۳ سال نزد عبدالله دومی برای آموختن ریف آوازی و همچنین گروهی اجرای موسیقی ایرانی تحصیل کرد. همچنین برای آشنایی با موسیقی فرانسوی و روش تحقیق مدت ۳ سال در بخش موسیقی شناسی دانشگاه سوریون پاریس نزد پرفسور ایدین تهرانی و بران وانگ تحصیل کرد. وی درحال حاضر مدیر گروه موسیقی دانشکده هنرهای زیبا، عضو هیأت علمی دانشکده تهرانی و استاد درس ریف است.

مقاله‌های گفتگو با مجید کیانی است که می‌خوانید:

○ آفاق کیانی، در ابتداء به فرمایید که به طور کلی موسیقی ایران چه تحولاتی را پشت سر گذاشت است؟

● در صدسال اخیر، فرهنگات و دگرگونی‌هایی در ویژگی‌های موسیقی ایران مشاهده می‌شود. ویژگی‌های موسیقی کهن ما مانند تار و سازه و چگونگی گردش نغمات و ریتمات، وزن و کیفیت صدا، تغییر باده، علت اصلی آن هم تأثیر فرهنگ غرب است که امروزه از اوایل قرن بیستم همه نشئون فرهنگی و هنری ما را در بر گرفته و در نتیجه این ضرورت پیش آمد که به کار تحقیق و بررسی بپردازیم و سره را از ناسره جدا شناسیم. شرعی مناسبتر در نظریتهای خرابه داشت.

○ آیا افلاق و سنتسز، به موسیقی ما صمیم است؟

● آنچه با عنوان موسیقی سنتی مطرح شده، در فرهنگ موسیقی ما بی‌سابقه است و در صورت کهن نیز چنین اصطلاحی را نمی‌بینیم. در واقع موسیقی سنتی عنوان جدید است که به موسیقی ایرانی اطلاق می‌شود.

○ لطفاً موسیقی سنتی به نوع خاصی از موسیقی ایران گفته می‌شود.

● این اصطلاح، معادل «آرستودیل» فرانسوی است که در دهه‌های اخیر کاربرد پیدا کرده و بیشتر به‌وسیله استادان و دانشجویان تحصیلکرده فرانسه رواج یافته. برای گونه‌اندازی این گذر، برخی روشنگری که محضلات خود را در فرانسه گذاشته‌اند، در رواج این اصطلاح مؤثر بوده‌اند.

○ علت کاربرد و پذیرش عام این واژه چه بود؟ چرا این اصطلاح بی‌وهمت جا افتاد؟

● قبل از اینکه از نوع موسیقی فرانسوی را برای این نغز پیدا کرد، ما با یک نوع موسیقی زیاده‌روی و بی‌مورد و بی‌موسیقی ایرانی بود. طبعاً نیاز بود شناخت که دنبال واژه‌های دیگر بکنیم؛ در مورد، ما در دوره نغز انواع موسیقی از جمله موسیقی کلاسیک، موسیقی پاپ و نوع خاصی از موسیقی که می‌توانیم آن را موسیقی ترکیبی بنامیم (آمیخته‌ای از موسیقی ایرانی و موسیقی اروپایی)، مسأله تفکیک انواع موسیقی مطرح شد و ناگزیر برای آنکه تعریف خاصی از انواع موسیقی به‌دست‌آورد شود، این نام‌گذاری پاپ شد. اتفاق این موسیقی سنتی، به‌علاوه با یک شیوه گه‌ت، گه‌ت، مسأله نامی نیست و خود بخود با عادت یا تفاهاتی می‌یود.



○ یعنی در واقع خود این عنوان مشکل جدیدی ایجاد می‌کند.

● در واقع، چون در فرهنگ ما دست‌سازمانها مفهوم کهنه و قدیمی است، با به‌عنوان چنین مفاهیمی را بدون مشاغل و سنتی‌ها را بر می‌آورند. از موع به‌اصطلاح طربکاری از تارگی و آرزوی بودن، در مقابل این عنوان بااستند. غافل از اینکه این طلفشه بیشتر لفظی است و از کاربرد واژه، سنتی ناشی می‌شود.

○ کدام نوع سلفقه؟ بیشتر توضیح بدهید.

● بهینیه وقتی می‌گویم موسیقی سنتی، خواه‌نا خواه، بارمنفی گفته‌ایم را به این نوع موسیقی محمل کرده‌ایم...

○ دو لفظ البته...

● در عمل هم‌چنین طرور چون واژه سنتی با بار معنایی خاص خود در فرهنگ ما مردانه گذشته‌ها گرامی است. نتیجه، این نومه را به‌عنوان می‌آورد که موسیقی ایران یک موسیقی استامپتاست.

○ موسیقی؟

● به موسیقی استگاهی در ذات خود یک موسیقی برمی‌آید. اما عنوان سنتی این ویژگی را در خود منعکس نمی‌کند و در نتیجه، گمانی که با این نوع موسیقی سرکار دارند، مخالفه ناآزوری و پیشرفت فساد می‌شوند و این بهانه را به‌دست معضیان ناآزوری می‌دهد تا در هیاهوی جنگ زرگری، اهداف خود را پیش ببرند. آنها می‌پرستند پس تکلیف ناآزوری چه می‌شود، معضلیات زمانه چه حکمی دادند؟ و آیا در شرایطی که همه چیز با شتاب پیش می‌رود، آیا ما همچنان به سنتهای کهن بپردازیم.

○ پاسخ شما چیست؟

● بحث بر سر استقامت‌هاست، باید این پرسش‌ها طوری را کنار بزنیم و به‌سبب به دور از این جواهرها واقعیت کنیم. سنت موسیقی ایرانی، بخشی از فرهنگ و هنر در پاپ ماست و عقل زبان زمانه‌ها فاهای فرهنگی ریشه در فرهنگ ملی ما دارد و به نظر من از منی نلر که موسیقی اصیل ما را همه فاهایش به عنوان موسیقی سنتی مطرح کنیم.

○ موسیقی اصیل چگونه است؟ آیا بهتر نیست به‌جای موسیقی سنتی، بگوییم موسیقی اصیل؟ چه‌بزرگوار دارد؟

○ به‌عنوان یک تفکیک و تمیز مسأله و تشخیص مرزهای موسیقی ناچار باید توضیح بدهیم.

● برای تفکیک انواع موسیقی، از یکدیگر، فرضاً من توانم که می‌توانم بگویم که یک موسیقی ایرانی هستم که، تخصص من در زمینه موسیقی سنتی است.

○ تعریف دقیق‌تری نسبت خود سوال نوازنده موسیقی پاپ ایرانی هم می‌تواند این را بگوید.

● با وقتی می‌گویم موسیقی سنتگاهی، تفکیک می‌کنیم.

○ منظور تفکیک می‌کنید؟

● ما در ایران چند نوع موسیقی داریم: ۱- موسیقی

دستگاهی (بر اساس ریف موسیقی ایران) - ۲- موسیقی محلی مربوط به نواحی مختلف ایران - ۳- موسیقی نواحی ایران با ترکیبی ۴- موسیقی کلاسیک غربی که طرفدارانش را ترجیحاً موسیقی بین‌المللی می‌نامند.

○ تعریف شما از موسیقی سنتگاهی و مشخصاً از ریف موسیقی چیست؟

● ریف به معنای مترنم کردن و پشت سر هم قرار دادن (نواهی گوشه‌ها) و هماهنگ کردن گوشه‌ها و دستگاه‌هاست. موسیقی دستگاهی کنونی ما شامل قطعات بسیاری است که در واقع انگارهای موسیقی ما هستند. بعضی از این انگه‌ها پیشینه‌ای چند هزار ساله دارند چون می‌دانید که موسیقی ما به‌عنوان ریف و به‌اصطلاح سینه‌به‌سینه از نسلی به نسلی دیگر منتقل شده و به ما رسیده است. طبعاً در روند این انتقالها برای آنکه آموختن موسیقی به شکل بهتری صورت بگیرد، انگه‌هایی را که با یکدیگر نسبت بیشتری دارند و از اوایل و اواخر همانطیابان هم فراتر دارند، در یک دستگاه قرار داده‌اند و انگه‌ها قطعات دیگر را که در نوازی اصیل و حرفه‌ای بوده‌اند، در دستگاه دیگر قرار داده‌اند و همین ترتیب، دستگاهی موسیقی را به‌عنوان آورده‌اند.

○ در واقع، ریف، قالبی است برای تعریف موسیقی گوشه‌ها

● به

○ نکته‌ای که در طریفه‌ی منی دستگاهی به چشم می‌خورد، تعداد آهنگهاست، با توجه به اینکه بعضی آهنگها مانند عدد هفت، در موسیقی قدیم دارند، این مسأله را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

● قطعاً در طریفه‌ی منی دستگاهی، مسائل فرهنگی و آهنگی، جایگاه خاصی دارند. ۷ دستگاه، ۵ آواز، ۷ آهنگ، ۷ مایه‌نگ، ۷ سبب، در فرهنگ ما عدد ۷ و ۱۴، ۲۴ از تقسیم خاصی برخوردارند و پیوسته است. موسیقیمانان ما در فرهنگ ما ریف، به این تعداد تعریف خاصی داشته‌اند تا به نومی اطیاب فریگی می‌ماند.

○ در موسیقی ایران، در سبب اصیل حالت رنگ، ما ۷ دستگاه داریم که عبارتند از: ۱- ماهور ۲- شور ۳- آوا ۴- راسم پنجاه ۵- ماهور ۶- سگاه ۷- چهارگاه ... و ۵ آواز هم داریم که عبارتند از: ۱- آواز دشتی ۲- آواز اربعی ۳- آواز افساری ۴- آواز بیات ترک ۵- بیات ترک (از نشمنان دستگاه) ۶- آواز اشعاف (از نشمنان دستگاه ماهور) ۷- حرمه دستگاهی و آوازهای موسیقی ایران ۱۲ عدد است که علاوه بر تقسیم آهنگی، با شمار مقامهای ۱۶ گانه کهن هم تطبیق دارد.

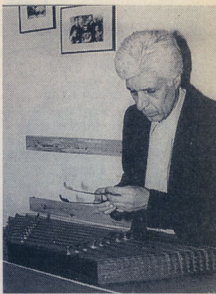
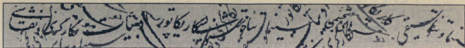
○ این طریفه‌ی منی، از نظر آکوستیکی نیز اهمیت دارد؟

● یکی از هدفهای ریف‌دانان، ریف دهنی برای سرزمان‌ها و ران به آموختن موسیقی و نظم و تسخیر نشن به آنهاست. در واقع استادان حرمه دستگاهی، در هر جمع می‌نشیند و بر اساس معنی گوشه‌ها که نام هر دو در حرمه قرار می‌دهد، آهنگهایی که در پی گردآوری و تدوین ریف برآمده‌اند، بر حسب تعداد گوشه‌ها، اسمی از نومه ریف آنها و رنگ آهنگی و حالتها اختلاف طریفه‌ها می‌تواند این را بگوید.









○ دیدگاه شما درباره موسیقی ملی کدام است؟

● موسیقی ملی، عنوانی است که مفهوم و مصداق مشخصی ندارد و برای تجربه واژه «ناسیونالیست» باشد. وقتی می‌گوییم موسیقی ملی طبعاً موسیقی ایرانی به ذهن متبادر می‌شود. اما موسیقی‌شناسان موسیقی ملی را به فرم مشخصی اطلاق کرده‌اند.

○ نظر شما در مورد وزیری و آثار او و نقشی که به موسیقی ایران برجا گذاشت چیست؟

● شخصاً دوران جوانی خود را با آثار وزیری گذرانده‌ام و به آثار او علاقه دارم... تنها انتقادی که من نسبت به او و وزیری و نگرشهای او دارم این است که او یکسره خود را از موسیقی دستگاهی ایران جدا کرد. ای‌کاش وزیری پیوند خود را با اساتید موسیقی ایرانی و دانشمندی‌های گراقترب خود در زمینه موسیقی دستگاهی قطع نمی‌کرد و کار خود را با حفظ اعتدال و تعین مرزهای مشخص ادامه می‌داد. یعنی متکرر موسیقی دستگاهی نمی‌شد. او می‌توانست بیسابقه‌تر و تکلیف‌خاسی‌مانند می‌شد. او موسیقی جنبه ملی‌گرای دانشمندی‌هاست موسیقی ایران را با امکانات موسیقی ملی‌گرای به گوش مردم جهان برساند. تا این‌ها می‌توان پذیرفتی است. اشکال کار این است که وزیری مشخصات موسیقی ایرانی را نادیده گرفت و مرزهای مشخصی برای مکتب خود منظر نگرد و در ترکیب سازها و نغمات، به روش سنجیده‌ای دست نیافت. به‌علاوه، راه او حتی در آن قالی که خود تعیین کرده بود، تداوم پیدا نکرد و سرانجام مکتب او به نوعی موسیقی فانتزی تزلزل پیدا کرد.

○ دیدگاه‌های خود شما به طور مشخص کدام است؟

● اگر شما به همه مقالات، کتابها، سخنرانی‌ها و گفت‌وگوها من مراجعه کنید در طول این سالها، من هزاره بار نکته تأکید کرده‌ام، که هیچ مخالفی با انواع مختلف موسیقی ندارم. بلکه خواهان تعین مرزهای موسیقی بوم‌ام. متأسفانه بازار سوده‌فام در جامعه ما بسیار داغ است و در موارد بسیار، پرده‌های سوده‌فام میان دو مخاطب‌مایل حائل شده‌اند. من اعتقاد دارم که در کنار انواع مختلف موسیقی، یک نوع موسیقی مشخص به نام موسیقی دستگاهی وجود دارد که بسیار با ارزش است.

○ این سوه تفاهم از آنجا ناشی می‌شود که شما متکرر از نیت و استفاده از آن هستید. چرا شما به استفاده از نیت مخالفید؟

● استفاده از نیت باعث می‌شود که فرهنگ شاهای سده‌های سینه‌ای دست برد. موسیقی ایرانی دارای ویژگی‌هایی است که نمی‌تواند از راه نت‌نویسی منتقل شود. البته نیت در زمینه کارپردازی تحلیلی مؤثر است و خود، من از نیت استفاده‌های بسیاری می‌کنم. مثلاً نگاه می‌کنم به ردیف موسیقی معروفی تا ببینم فرضاً گوشه سرور یا گوشه یزدان‌دشت کرده و اجزای آن چگونه است.

○ به چارت دیگر شما متکرر از نیت نیستید؟

● من می‌گویم موسیقی ایرانی، زبان خاص خود را دارد. روش خود را و راه و کار خود را ... موسیقی ایرانی زبان‌دل است. زبان‌شکل است. البته اگر برای حفظ و حراست قطعات یا گوشه‌ها باشد، خصوصت و ویژگی‌هاست. دیگر در زمینه آموزش نباید به نیت، در حالیکه نیت برای تجزیه و تحلیل، بررسی و تحقیق می‌تواند کاربرد بسیار داشته باشد.

○ نظر شما درباره موسیقی امروز ایران چیست؟

● متأسفانه موسیقی امروز ایران، سبزی لزولی داشته است. به‌طوری‌که آنچه امروز می‌شنویم، بیشتر باب سنتد مشغرتی است و به پسند و ذوق مخاطب چشم دارد و برای سرگرمی و تفریح است.

○ مردم همیشه حالت یکنواخت و ثابتی ندارند و

در شرایط مختلف به موسیقی‌های مختلفی نیاز دارند. فرض کنید از سرکار به خانه باز می‌گردند و در این حال، یک موسیقی ملایم و شاد را ترجیح می‌دهند. از سوی دیگر، جوانان به موسیقی سبک و شاد، توجه بیشتری نشان می‌دهند. این مساله را چگونه حل می‌کنیم؟

● ابتدا توجهیانی است که گاهی مطرح می‌شود. آیا وقتی از سرکار به خانه بر می‌گردیم، باید غلغله آلود و نامالام مصرف کنیم؟ آیا خون‌خسته‌ایم، باید خود را به سوسه و مواد مخدر بسپریم؟ آیا باید نوازهایی را که بر از رنگ‌های شیمیایی و جوهرقند است، مصرف کنیم؟ این سازهای کاذب را با راه‌حلی‌های فیزیکی منطقی و نادرستی، نمی‌توان برطرف کرد. چگونه ممکن است که ما به موسیقی‌ای که به نیازهای واقعی ما پاسخ می‌دهد و به‌طور تصنعی ما را سرگرم می‌کند و هیجوع حس‌آسانانه درونی در ما سر برمی‌انگیزد، نیاز داشته باشیم. این نیاز هیچ توجه منطقی ندارد. مگر آنکه بخواهیم خودمان را به دست نوعی موسیقی عامه‌پسند بسپریم. این کجا می‌تواند که نیاز واقعی ما چیست و از کجا معلوم که این نوع موسیقی پاپ، بتواند پاسخگوی نیازهای درونی ما باشد. از کجا معلوم که خستگی ما را برطرف کند. شاید به خاطر این آسان‌پسندی‌هاست که هر روز، هیجانات درونی مردم بیشتر و بیشتر می‌شود. یک موسیقی پاپ و عامه‌پسند به ما چه می‌دهد که موسیقی غنی و سرشار خودمان می‌دهد؟

● امروزه ثابت شده که این نوع موسیقی (پاپ) وقتی زیاد گوش داده می‌شوند، آفسردگی ایجاد می‌کنند. اما آفسردگی جز، نیازهای ماست. بنابراین، وقتی هستی از سرکار برمی‌گردیم، بهتر است اصلاً موسیقی گوش نکنیم. می‌توانیم استراحت کنیم یا به مطالعه بپردازیم و هر وقت که واقعاً نیاز داشته‌ایم، به‌شدن موسیقی ایرانی بپردازیم.

○ موسیقی ایرانی، نیاز به تفکر دارد و عمیقاً ما را درگیر می‌کند. در شرایط خاصی، انسان واقعاً به موسیقی سنگین و جدی نیاز ندارد. تفاوت کتاب و مبله مکتب در همین است.

● مسأله بر سر انتخاب درست است و آنکه، موسیقی ایرانی، همیشه سنگین و جدی نیست. ما در موسیقی ایرانی، طیف گسترده‌ای داریم. آنکه، قطعات، ضریب‌ها و تصنیف‌های بسیار ساده و عامه‌پسند داریم. چه‌ها، جوانها و مردم عادی می‌توانند با هر نوع سلیقه‌ای به آن گوش کنند.

○ در حقیقت، نظر شما این است که آیا باید موسیقی سالم گوش کنیم و یا از خویش بگذریم. اما واقعاً چه معیارهای وجود دارد که این نوع موسیقی صحیح است و آن نوع موسیقی غیرصحیح؟

● طبیعی است که اهل خرد و اساتید موسیقی در این مورد وظیفه سنگینی دارند. چون آنها هستند که باید موسیقی را صحیح را به گوش جوانان برسانند و به آنها آموزش صحیح را سره از آن‌ها برسانند. نقش رسانه‌های گروهی و پرواز صدا در مورد نظر آموزش خیلی مهم است و می‌تواند برای رواج موسیقی صحیح، نقش ارزنده‌ای داشته باشد.

○ بگذریم، آیا شما آهنگسازی هم می‌کنید؟

● بله، وقتی که دارم موسیقی دستگاهی را ارائه می‌دهم، تمام درحال آهنگسازی هستم.

○ اینکه آسمش بداهه نوازی است؟

● ولی در عین‌حال تمام درحال ساختن هستم و این عین آهنگسازی است.

○ ولی آهنگسازی تعریف مشخصی دارد.

● چیزی که شما به آن اشاره می‌کنید، آهنگسازی به شیوه غربی است. آهنگسازی، آری صحنه است.

○ گفت‌وگو: حمیدرضا طاهانی

● خلتف را می‌تواند، او در پی پیوند با عوالم معنوی است. وقتی ساز می‌زند، انگار دثار نباشی می‌کند. طبعاً مخاطب او نیز خود را به این عوالم می‌سپارد و با گوش‌ش به این نغمه‌های موزون گوش می‌سپارد. با این توصیفات، تواننده ستور مجبور نیست سازش را با سازهای ارکستر سمفونیک بسنجد و هرکجا که او را کشانند، پرواز از آسازگی که در اساساً برای تکنوازی ساخته شده، انتظار داشته باشد که در ارکستر شرکت کند. چنین قرار نبوده است. بنابراین اگر قرار است به صحنه بیاید، باید با حفظ این ویژگی‌ها بیاید. یعنی بگوید موسیقی من، موسیقی تکنوازی است. بداهه‌نوازی یا ردیف‌نوازی است و امکانات ساز من این است. هیچ سروازی، اسپه راهوار خود را با هنر به شکلاخ نمی‌کناند.

○ به این ترتیب، مسئولیت‌های تواننده را گوشه می‌کنید؟

● بله، این نوازنده است که باید خودش را با سازش وفق دهد و امکانات و مقیدورات آن را بشناسد. ساز ابزار دستور تواننده است. درین مسئله قلم در دست نوازنده؛ خصوصت از یکپنکه که نوازنده‌ای تمام در پی تغییر و تبدیل قلم خود برآید و متواکلاً آن را از طلا بسازد؛ برقرش که این کار را هم بکنند، فائده‌ای ندارد. محتوایی قلم باید زورین باشد. نوازنده خبره است که از قلم‌ش کیمیا می‌سازد. نوازنده ستونو هم همین‌طور است اگر هدف اصلی را درک نکند و برای شهرت‌طلبی برآید صابحت‌شود ساز خود را به چوب و راست بکشد، به‌جای این‌ریسد. چون ساز او برای هدف دیگری ساخته شده است.

○ یعنی از خبر هم‌نوازی با ارکستر بگذرد؟

● بله و به چیزی وفادار ماندن که اصل‌تر است. چرا ما باید همیشه دنباله‌رو این‌ها باشیم. سازهای ارکستر سمفونیک برای هم‌نوازی مناسب‌ترند.